

مُقَرَّرَاتِ عُبُورِ وَ مَرُورِ

(روز شنبه ساعت هشت صبح همه مشغول صرف صبحانه هستند)

آقای بشیر: طاهر جان! یک کمی عجله کنید، می خواهم شما را به بانک بفرستم. ماشین هم از کار افتاده برای تعمیر به تعمیرگاه رفته است.

طاهر: پدر جان! نگران نباشید. من می توانم با اتوبوس بروم. فقط نیم ساعت راه است.

سعید: برادر جان من هم همراه شما می روم. به این بهانه گردشی در بعضی از خیابانهای لاهور می کنم.

(طاهر و سعید در ایستگاه اتوبوس پیاده می شوند و در پیاده رو خیابان به راه می افتند.)

سعید: برادر جان! بانک ملی کجاست؟

طاهر: به آن طرف خیابان.

سعید: پس بیانید برویم به آن طرف خیابان.

طاهر: صبر کن. ازین قسمت خیابان نمی توانیم رد بشویم.

سعید: چرا؟

طاهر: برای اینکه در خیابان رفت و آمد اتومبیل زیاد است و برای رفتن از یک طرف خیابان به طرف دیگر، فقط می شود از جاهای معین و خط کشی شده عبور کرد.

سعید: سر چهار راه هم می شود از خیابان گذشت؟

طاهر: بلی، از سر چهار راه هم می شود از خیابان گذشت بشرط اینکه چراغ راهنمایی قرمز نباشد.

سعید: برادر جان! این‌ها فقط حرف است. وقتی که ما می‌توانیم از راه میان‌برزود تر به مقصد برسیم چرا بیخود راه مان را دور کنیم.

طاهر: مگر نشنیدید؟ "راه راست برو اگرچه دور است."

سعید: فکر می‌کنم راه راست همان است که من می‌گویم.

طاهر: نه جانم! راه راست آن نیست که تو می‌گویی بلکه راه راست آن است که خلاف مقررات عبور و مرور نباشد. فرق اساسی میان انسان و حیوان همین است که انسان از مقررات عبور و مرور پیروی می‌کند. در صورتیکه حیوان پای بند هیچ‌گونه مقررات عبور و مرور نیست.

سعید: آخر این مقررات چه فایده دارد؟

طاهر: با پیروی از مقررات عبور و مرور اگرچه ممکن است راه طولانی‌تر شود و بیشتر وقت بگیرد، در عوض انسان سالم و با خیال راحت به مقصد می‌رسد.

سعید: اگر خلاف این مقررات رفتار شود آن وقت چه می‌شود؟

طاهر: معلوم است که صدها تصادف روی خواهد داد و هزاران نفر کشته خواهند شد.

سعید: حالا فهمیدم که رعایت مقررات عبور و مرور خیلی لازم است. خیلی متشکرم که مرا از اهمیت این مقررات مطلع فرمودید. برادر جان! اگر کسی

ازین مقررات سرپیچی کند چه می‌شود؟

طاهر: اگر کسی ازین مقررات سرپیچی کند، مجازات می‌شود.

سعید: برادر جان! شما رانندگی بلد هستید؟ می‌توانید درین خیابان ماشین برانید؟

طاهر: بلی، من رانندگی بلد هستم ولی نمی‌توانم درین خیابان ماشین برانم.

سعید: اگر رانندگی بلد هستید چطور نمی‌توانید ماشین برانید؟

طاهر: برای این که من گواهی نامه رانندگی ندارم و رانندگی بدون داشتن گواهی نامه تخلف است و جریمه دارد.

سعید: چرا گواهی نامه نمی گیرید ؟

طاهر: طبق مقررات کسی می تواند گواهی نامه رانندگی داشته باشد که هیجده سال تمام داشته و در امتحان رانندگی نیز قبول شده باشد. چون من هنوز هیجده سال بیشتر ندارم و امتحان رانندگی را هم نگذرانده ام نمی توانم گواهی نامه بگیرم.

(طاهر و سعید در حال حرف زدن نزدیک چهارراه به محل خط کشی شده می رسد)

سعید: برادر جان! محفوظ ترین راه برای عبور از یک خیابان پُر شلوغ چیست ؟

طاهر: محفوظ ترین راه برای عبور از یک خیابان پُر شلوغ این است که اول به سمت راست نگاه کنیم ، وقتی که مطمئن شویم اتومبیل نمی آید تا وسط خیابان پیش برویم ، بعد به سمت چپ نگاه کنیم و نصف دوم خیابان را طی کنم.

(طاهر و سعید از محل خط کشی شده از خیابان عبور می کنند و آن طرف خیابان وارد ساختمان بانک ملی می شوند.)

(دکتر آفتاب اصغر)

فرهنگ

مقررات : قواعد و ضوابط

عبور و مرور : ژرفک، آدورفت

صبحانه : ناشتا

بانک : بینک

یک کمی عجله کنید : ذرا جلدی کریں

ماشین : موٹرکار

تعمیر : مرمت

تعمیرگاه : ورکشاپ

ایستگاہ اتوبوس : بس شاپ، بس سٹینڈ	نگران : پریشان
پیادہ رو : فٹ پاتھ	خیابان : سڑک
بانک ملی : نیشنل بینک	قسمت : حصہ
اتومبیل : موٹر گاڑی	جای خط کشی شدہ : زیر آکرانگ
چراغ راہنمائی : ٹریفک سگنل، ٹریفک لائٹ	چہار راہ : چوک، چوراہا
با خیال راحت : اطمینان کے ساتھ	میان بُر : مختصر راستہ، شارٹ کٹ
رفتار شود : چلا جائے، راستہ اپنایا جائے	تصادف : حادثہ
سرپیچی کند : سرتابی کرے، منہ موڑے	مجازات : سزا
رانندگی : ڈرائیونگ، گاڑی چلانا	گواہی نامہ : لائسنس
تخلف : خلاف ورزی	جریمہ : جرمانہ

می توانید ماشین برانید : آپ گاڑی چلا سکتے ہیں